

مهندس سحابی؛ سرمایه‌کیماب انسانی در سیاست

عباس عبدی*: اگر افراد را از حیث نگاه تحلیلی آنان به مهم‌ترین عامل تغییر اجتماعی به دو گروه تقسیم کنیم، یک گروه کسانی هستند که نقش فرد و رهبران سیاسی و انگیزه‌های خیرخواهانه آنان را در تحول جامعه از نقطه نامطلوب به نقطه مطلوب مهمتر از سایر عوامل می‌دانند. گروه مقابل کارآیی این نقش را در مقایسه با تحولات ساختاری فرعی در درجه دوم اهمیت می‌دانند. در این صورت نگاه تحلیلی من به گروه دوم نزدیکتر است. به ویژه در کشورهایی که ساختارهای اقتصادی و سیاسی و اجتماعی در وضعیت ناکارکردی و مخرب روند توسعه قرار دارند. ولی کاشش دادن اهمیت فرد به منزله نادیده گرفتن آن نیست، و اگر از زاویه دیگری به موضوع بپردازیم مجدداً به اهمیت فرد در حوزه سیاست و رهبری جامعه به سمت توسعه پی خواهیم برد. من به صورت تیتروار سه عنصر اصلی چنین اهمیتی را می‌گویم.

- شناخت درست جامعه و اولویت‌های آن و توجه به ناکارکردی‌های ساختاری آن
- فعالیت تشکیلاتی و آمادگی برای مشارکت جمعی که رکن مهم کنش سیاسی است.
- التزام به ارزش‌های انسانی و اخلاقی و پرهیز از نان به نرخ روز خوردن.

با این مقدمه می‌توانم مدعی شوم که آقای مهندس عزت‌الله سحابی از هر سه جهت، چهره سیاسی شاخص و قابل احترام در تاریخ نیم قرن اخیر ایران است. جناب سحابی برخلاف بسیاری از چهره‌های سیاسی، نگرشی واقعی از ساختار نفی اقتصاد ایران دارد. ایشان به دلیل مطالعات تاریخی و اقتصادی و نیز به دلیل فعالیت و مسئولیت در سازمان برنامه و بودجه و نیز خصوصیات اخلاقی که پذیرای نگرش‌ها و تحلیل‌های دیگران است، توانسته است نگرش و تحلیل منطقی از معضلات ساختاری جامعه ایران به دست آورد.

فعالیت تشکیلاتی و تأکید بر کنش جمعی سیاسی، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مهندس سحابی بود. برای مهندس سحابی این امکان فراهم بود که با توجه به سوابق خودش نوعی برج عاج‌نشین را پیشه کند و به مریدپروری بپردازد تا بنا به شرایط با استفاده از شیوه‌های توده‌ای و سازمانه او را به میدان بیاورند و او نیز خود را فراتر از احزاب و گروه‌ها قرار دهد. ولی مهندس سحابی چه از خلال فعالیت تشکیلاتی پیش از انقلاب و چه در نشریه ایران فردا، کوشید که نوعی کنش جمعی را در سیاست شکل دهد که جامعه ما هنوز هم از ثمرات آن بهره‌مند است.

اما آنچه که در مورد مهندس سحابی برجسته‌تر از دو مورد قبلی است، التزام ایشان به ارزش‌های انسانی و اخلاقی و جوانمردی در سیاست است که به معنای واقعی کلمه ایشان را در سرزمین سیاسی ایران برجسته می‌کند. از خود گذشتگی و پرهیز از اولویت دادن به منافع شخصی، سلامت اخلاقی و مالی، تعهد به فعالیت‌های خیرخواهانه، افتادگی و خضوع، پرهیز از نان به نرخ روز خوردن و پرهیز از افراط و تفریط و نیز دارا بودن صداقت و... مهندس سحابی به معنای دقیق کلمه از عناصر اصلی سرمایه انسانی و البته کیماب در حوزه سیاسی ایران است، و چنین سرمایه‌ای مستهلک نخواهد شد و کنشگران حال و آینده این کشور می‌توانند از این سرمایه سیاسی بهره‌برداری کنند. من تردیدی ندارم که در آینده نه چندان دور شاهد باروری بیشتر از زمینی خواهیم بود که بذره‌های سیاسی آن را جناب مهندس عزت‌الله سحابی کاشته‌اند.

* این یادداشت پیش از درگذشت مهندس سحابی و در دوران بیماری ایشان نگاشته شده و در نشریه صبح آزادی، شماره اردیبهشت ۹۰ به چاپ رسیده است.

محمد نوری‌زاد: ای کاش بساط این ظلم خانمان برانداز را برچینند



محمد نوری زاد، جهادگر و مستند ساز یادداشت جدیدی از جوار مرقد امام رضا نگاشته است. او از زندانی‌های جوانی گفته که ماههاست حتی فرصت دیدار کوتاهی با خانواده به آنان داده نشده است و از راز و نیازی که به درگاه امام رضا برده است برای کسانی که اسیر نفرت‌ها شده‌اند. وی در مقدمه نوشته خود به یکی از روزهایی که در زندان گذراند اشاره کرد و نوشت: یک روز در زندان، کف دست به دیوار سلول تنهایی خود خواباندم و سربه سمت سقف سلول بالا پردم و منتهمانه از امام رضا(ع) خواستم تا بین ما و خدا وساطت کند و دربروین رفت از منحصه‌ای که کشورمان بدان دچار شده، مارا یاری فرماید. از او خواستم تا در اولین فرصت ممکن مرا به پای بوس خود توفیق دهد.

او در حضور خود در بارگاه امام رضا خبر می‌دهد و ادامه می‌دهد: در این زیارت از امام رضا "تشکر" کردم. بخاطر شایستگی هایش. بخاطر بزرگی اش در علم وحلم و سیاست و تربیت فرزند و فضائل دیگری که در او فراوان هست و ما کمتر از آنها سراغ می‌گیریم و از میان آنهمه سنج کمالات، گاه تنها به سرفقت ضامن آهویی او می‌رویم.

نوری زاد اینگو زیارت خود را شرح می‌دهد: گریه‌های من در آن شب شوق انگیز از همین خصلت ضمانت‌گری حضرت گرامی می‌گرفت. بخود گفتم: چه می‌شد اگر رهبر گرامی ما نیز که در اوقات ایشان به حضرت رضا هر چه بگویم کم گفته‌ایم

این مردم غم زده را و مادران گیسو پریشان و پدران چشم به راه را و همسران جدا مانده را و شیون فرزندان بی پدر را بقدر آن حیوان زبان بسته ارزش قائل می‌شدند و خود به ضمانت شان همت می‌کردند و بساط این همه ظلم خانمان برانداز را بر می‌چینند.

او می‌نویسد: اگر رهبر گرامی ما نیز که در اوقات ایشان به حضرت رضا هر چه بگویم کم گفته‌ایم، این مردم غم زده را و مادران گیسو پریشان و پدران چشم به راه را و همسران جدا مانده را و شیون فرزندان بی پدر را بقدر آن حیوان زبان بسته ارزش قائل می‌شدند و خود به ضمانت شان همت می‌کردند و بساط این همه ظلم خانمان برانداز را بر می‌چینند.

مجمع روحانیون مبارز: ما از رهبر محترمان می‌خواهیم از میان آن همه کمالات حضرت رضا، به همین خوی ضمانت‌گری ایشان تاسی بجویند و خود ضمانت این همه انسان - ونه حیوان- دریند را بپذیرند و در فرمانی باشکوه که قطعاً رضایت خدا و حضرت رضا در آن است، به راهی آنان که بی دلیل به بند نفرت ما گرفتار آمده‌اند، دستور فرمایند. که اگر به این کار خداپسندانه دست برند، ما دست به سینه می‌نهم و رو به رهبرمان سیاس می‌گوییم و می‌گوییم: سلام ای ضامن انسان!

مجمع روحانیون مبارز با اعلام حمایت و پشتیبانی از مواضع و پیشنهادات مدیرانه، دلسوزانه و راهگشای اخیر سیدمحمد خاتمی، تأکید کرد که این پیشنهادات را راهکاری مناسب برای تلطیف فضای سیاسی و همکاری عمومی در جهت پیشرفت و سعادت کشور و مردم و پویایی انقلاب اسلامی می‌داند.

محمدرضا تابش: اگر دست‌بند به دست خانم ستوده نمی‌بستند نظام با چه تهدیدی روبرو می‌شد؟

محمدرضا تابش دبیر کل فراکسیون خط امام مجلس شورای اسلامی از شیوه برخورد با خانم نسرين ستوده و کيل دادگستری در دادگاه انتظامی قضات که با دستبند در این دادگاه حاضر شده بود شدیداً ابراز تاسف کرد. وی گفت: تصاویر متاثرکننده و منعکس شده در رسانه‌ها از چگونگی محاکمه خانم نسرين ستوده در دادگاه انتظامی و کلا در حالیکه دستبند به دست دارد قلب هر انسان منصف و دل‌بسته به انقلاب اسلامی و سربلندی ایرن را جریحه دار کرد.

نماینده اردکان در مجلس شورای اسلامی از مسولان امر پرسید: چرا برخی دوستان نادان عملکردشان باید به نحوی باشد که اسباب وهن و تضعیف نظام را فراهم سازد. تابش افزود: اگر دست بند به دست خانم ستوده ضعیف‌الجنه که در زندان نیز با کاهش شدید وزن مواجه بوده نمی‌بستند نظام با چه تهدید و خطر غیر قابل جبرانی روبرو می‌شد! نماینده مجلس شورای اسلامی گفت: این که یک بانوی تحصیل کرده حقوق‌دان و یک مادر دور از فرزندان خردسالش را ولو مجرم، با این وضعیت به دادگاه منتقل کنیم با رحمانیت دین و عطفوف نظامی که برخاسته از آمال و ارزش‌های ملت بود، سازگار است؟

تابش با اشاره به بازتاب این موضوع در سطح مجلس شورای اسلامی افزود: علاوه بر نمایندگان اصلاح طلب مجلس، بسیاری از نمایندگان طیف اصولگرا نیز از این بابت ابراز تاسف کردند و ما امیدواریم رئیس دستگاه قضا به جد این موضوع را بررسی و جلوی این گونه اقدامات که از طراحی بسیاری از پروژه‌های برانداز نرم مخرب تر است، بگیرد.



سوال مهم این است که چرا امروز که صبح تا شب از همه جا صدای مناجات، دعا و مداحی بلند است و همه شبکه‌های تلویزیون تمام وقت تبلیغات دینی و مذهبی پخش می‌کند، در جامعه احساس امنیت وجود ندارد؟ دلایل خیلی روشن است: ایمان وجود دارد ولی با لباس ظلم و جور پوشانده شده است.

میرحسین موسوی، دیدار با رزمندگان دفاع مقدس

جو امنیتی در اطراف منزل مرحوم سحابی

در پی درگذشت مهندس عزت‌الله سحابی و علی‌رغم پذیرش منویات نیروهای امنیتی برای چگونگی برگزاری مراسم تشییع از سوی خانواده آن مرحوم، رفتارهای تند نیروهای امنیتی و انتظامی در محدوده منزل ایشان با دوستان و نزدیکان این خانواده گزارش می‌شود.

مراسم تشییع جنازه مرحوم مهندس عزت‌الله سحابی امروز از مقابل منزل آن مرحوم برگزار شد.

درخواست جبهه مشارکت: به اعتصاب غذای خود پایان دهید

جبهه مشارکت اسلامی با صدور بیانی‌ای با درخواست از زندانیان سیاسی برای پایان دادن به اعتصاب غذای خود آورده است: اعتصاب غذای زندانیان سیاسی زندان رجایی شهر موحی از نگرانی را در نزد خانواده‌ها و همه نخبگان کشور ایجاد کرده است ولی از سوی مسئولان قضایی مورد توجه قرار نگرفته و چون همیشه هیچ گوش شنوایی در اجابت خواسته‌های قانونی و حداقلی آنها وجود ندارد.

درخواست متقاضیان از وزیر: خانه‌های بادکرده را به ما بدهید

در پی سخنان اخیر وزیر مسکن، اعضای بیش از ۱۰ تعاونی مسکن مهر چند استان با ارسال نامه‌ای به یکی از رسانه‌ها، از وزیر مسکن خواسته‌اند خانه‌های ساخته شده که روی دست این وزارتخانه مانده است را به آنها تحویل دهند چرا که ماه هاست منتظر تکمیل خانه‌های خود هستند. وزیر مسکن چند روز پیش اعلام کرده بود به قدری خانه ساخته شده است که تعداد زیادی از آنها روی دستشان مانده است.

پیرترین رفتگر تهران به علت گرسنگی در بستر بیماری افتاد

در حالیکه محمود احمدی نژاد دو هفته پیش در گفت‌وگو ویژه خبری شبکه دوم سیما اعلام کرد تنها کشور در کره زمین هستیم که هیچ خانواده‌ای در آن گرسنه نیست اما پیرترین رفتگر تهران به علت گرسنگی در بستر بیماری افتاد.

کارگران قند اهواز ۷ ماه حقوق معوقه دارند

دبیر اجرایی خانه کارگر استان خوزستان از حقوق معوقه ۷ ماهه کارگران قند اهواز خبر داد. آقایابار حسینی افزود: این کارخانه در حال حاضر تعطیل است و ۲۰۰ کارگر آن بلا تکلیف هستند. وی گفت: بیشتر کارخانه‌های بحرانی زده با مشکل مدیریتی دارند و با این که مشکل فروش دارند.

موافقت شفاهی دولت با افزایش قیمت محصولات لبنی

رئیس هیات مدیره اتحادیه لبنی ایران با اشاره به این که وضعیت پارانه شیر هم‌اکنون در نهاد ریاست جمهوری در کارگروه تحول اقتصادی در حال بررسی است، گفت: سازمان حمایت تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان موافقت ضمنی خود را برای افزایش ۱۰ درصدی قیمت محصولات لبنی اعلام کرده و کارخانه‌ها منتظر ابلاغ مکتوب این مصوبه هستند.

حداقل دو کشته بر اثر آتش‌سوزی در بزرگترین مجتمع پتروشیمی ایران

بر اثر آتش‌سوزی در یکی از واحدهای فرآیندی در مجتمع پتروشیمی بندر امام، دست‌کم دو نفر کشته شدند. بر اساس گزارش رسیده، این حادثه در یکی از واحدها در حین انجام تعمیرات دوره ای به وقوع پیوسته است.

درد دختران و پسرانم را به کجا برم؟

عزت‌الله سبحانی: تحمل حوادث و دردهایی که در این نه ماهه بر این سرزمین و فرزنداناش رفته است برای من در این سنین آخر عمر بسی سخت و ناگوار بوده است. از توان ملی این کشور که به سان قالبی یخ در دست دولتی بی کفایت به سرعت در حال ذوب شدن است تا آنچه در خیابانها و زندانها بر فرزندان حق‌گو و حق‌طلب این آب و خاک گذشته است. اما در روزهای اخیر شنیده‌ایم غم جانکاه دیگری بر این تن رنجور ریخته است که نمی‌دانم شکایت این درد را به کجا ببرم و چه کاری از دستم ساخته است. برای بنده که فضای بازرجویی و زندان در حاکمیت قبل و بعد از انقلاب را تجربه کرده‌ام، انقلابی که به سهم خود نقش تاریخی در آن داشته‌ام؛ بسیار غمبار است که اذعان کنم برخورد‌های غیراخلاقی با زندانیان و تهدید جان و سلامت آنان با تبعیدکردن‌شان میان برخی متهمان به قتل و آدم‌کشی و زیر اعدام و یا اعمال فشار و فحاشی به زنان و آوردن فشار بر برخی از آنان برای اعترافات شرم‌آور و نظایر آن در رژیم قبل نیز کم سابقه یا بی سابقه بوده است.

من نمی‌دانم بر حاکمان ما چه رفته است که برای حفظ قدرت دو روزه دنیایی این طور قید هر گونه اخلاقی و مذهب را زده‌اند و از هر روش و ابزاری برای ادامه قدرت خود استفاده می کنند. من به عنوان یک فرد مذهبی که اخلاق را ستون فقرات و هدف اصلی مذهب می‌دانم و پیامبران هم برای تعالی اخلاق مبعوث شده است (انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق) شرم‌ام می‌آید در زمانه‌ای زندگی می‌کنم که به نام خدا و دین، دختران و پسران و زنان و مردان این جامعه را به جرم حق‌گویی و حق‌خواهی زیر شدیدترین فشارهای جسمی و روحی می گیرند، وحقانته ترین کلمات را برای بانوان به کار می‌برند و اعترافات دروغ از آنها می‌خواهند.

واسطاً «دروغ» که در فرهنگ ملی و مذهبی ما بزرگترین گناه است، امروزه به سنت غالب زمانه تبدیل شده، دولت‌مردان با لاف و کثافات و راجتی به مردم دروغ می‌گویند و خیالات واهی داخلی و بین‌المللی‌شان را صبح و شب با تکرار و تکرار می‌خواهند به خورد مردم فہیم این مملکت بدهند. اما متأسفانه هم‌چنان در زندان‌ها می‌خواهند زندانیان زن و مرد را به دروغ‌گویی وادارند والا با تبعید می‌شوند و با زیر فشارهای مضاعف می‌روند. خدایا این دردها را باید به چه کسی گفت و پیش چه کسی برد؟

امیدوارم اگر گوش شنوا و ترس از خدا و آخرت در بین هر یک از مسئولان سیاسی و قضایی هنوز وجود داشته باشد، ناله بنده را بشنوند. خدایا تو شهادی و وعده‌ای که انقلاب به ملت ما می‌داد حکومت عدل علی‌وار بود، حکومتی که سخت‌گیری عدالتش نزدیک‌ترین افراد به علی را هم در برمی گرفت و رحم و مروت‌اش دورترین و دشمن‌ترین افراد نسبت به او را.

در حالی که آنچه حاکمیت ما به نام دین علی انجام می‌دهد آسان‌گیری و گذشت از هر فساد و تباهی سیاسی و اقتصادی و قتل و غارتی است که بعضی از خودی‌ها در بانک و شرکت و بازار و با کوی دانشگاه و زندان اوین و کهریزک انجام می‌دهند و سخت‌گیری و فشار، آن‌هم با به کارگیری انواع فشارها علیه زنان و مردان دست‌بسته و چشم‌پسته و بی گناهی است که اهداف و آمال و وعده‌های همان انقلاب را مطالبه می کنند. ای خدای بزرگ، ای تغییر دهنده قلب‌ها و فکرها، به حال و روز ما را دگرگون کن یا مرگ مرا برسان.

ریتا اخراجنا من هذه القرية الظالم أهلها واجعل لنا من اللذک ولیا واجعل لنا من اللذک نصیرا (نساء، ۷۵)

« این یادداشت در تاریخ ۲۱ فروردین ۱۳۹۰ نوشته شده که به مناسبت درگذشت مهندس سبحانی بخش‌هایی از آن باز نشر می‌شود.



محمد رهبر: چند ماهی مانده به دوم خرداد سال ۷۶، عزت‌الله سبحانی اعلام کرد که نامزد ریاست جمهوری است؛ سن و سال سبحانی آن روزها هنوز از شصت و پنج گذر نکرده بود و می توانست رئیس جمهور ایران باشد.

سبحانی آمد و میان پنجاه، شصت نفری که حاضر بودند، از ایران گفت و اینکه چه کارها باید کرد تا آباد شود و از پیشینه و سابقه اش کمتر گفت. در همان جلسه هم از محمد خاتمی که آن روزها زمزمه آمدنش بود حمایت کرد.

به هر حال شورای نگهبان، عزت‌الله سبحانی را فاقد صلاحیت دانست و ردش کرد، اما برخی دوستان و آشنایان هم معتقد بودند که عزت‌الله سبحانی چندان به کار سیاستمداری نمی آید و دلیل بزرگش، صداقت بی حد و مرز. انگار که سیاست در ایران از صداقت جدا باشد، عزت‌الله سبحانی به این اتهام همواره آراسته بود.

سبحانی پسر از پدر نشانه‌ا داشت، نسلی از مبارزان ایرانی که در تمامی بزرنگی‌های تاریخ معاصر ایران حضور داشتند و نقشی. سبحانی پیش از انقلاب هیچ گاه از ایران ترفوت گویانکه فرصتی هم پیدا نکرد. دوران دانشجویی سبحانی مصادف بود با تاسیس انجمن اسلامی دانشگاه تهران که به همت مهندس بازرگان بنا شد، دوستی دیرینه دکتر یدالله سبحانی و مهندس مهدی بازرگان به نسل بعد هم رسید و برای عزت‌الله جوان، مهندس بازرگان پدر بود و مراد.

شور و صدق و نهضت ملی نفت در جوانان دانشگاه که سری پر شور داشتند و به حزب توده نیز دلی نسپرده بودند رنگی دیگر داشت. عزت‌الله جوان در این سالها نشریه «راه صدق» را منتشر می کرد که بعدها اولین طعم زندان را با این اولین کار روزنامه نگارانه چشید. سالهای بعد از کودتا، سبحانی پدر و پسر در رفت و آمد به زندان بودند، گرچه پسر رنجهای بیشتری برد و سالهای زندانش طولانی تر شد.

سالهای زندان هشتین شد با بیشتر مشهورینی که بعدها از بازرگان اصلی سیاست ایران بودند. از آیت الله منتظری و حجت الاسلام رفسنجانی و دکتر بهشتی گرفته تا مسعود جوی. انقلاب ۵۷ و دولت موقت مهندس بازرگان تنها فرصتی بود که عزت‌الله سبحانی گامی هم در دولتمردی زد و ریاست سازمان برنام و بودجه را بر عهده داشت؛ سازمانی که عاقبت به دست محمود احمدی نژاد برانداخته شد.

اختلاف نظرهای اقتصادی عزت‌الله سبحانی با نهضت آزادی منجر به این شد که پیش از سقوط دولت موقت از نهضت کناره گیری کند، ولی این استعفا از حزب هیچ گاه از آن ارادت که به بازرگان داشت نکاست.

اما کار بزرگ عزت‌الله سبحانی، انتشار ماهنامه ایران فردا آن هم با امتدادی ۹ ساله بود. دهه هفتاد با انتشار ماهنامه های تاثیر گذاری همراه بود که سنگ بنای رای دوم خرداد نهاد و نسل جوان سیاسی و اصلاح طلبی را تربیت کرد و این میان مجله ایران فردا از تمامی همگانش سیاسی تر و ملی تر به حساب می آمد.

عزت‌الله سبحانی با سرمقاله های ماندنی و شفاف و بدون ابهام هر ماه مهیاد دانشجویان بود. سرمقاله های ایران فردا، دغدغه حزب و گروه و فرد نداشت و آنچه در ذهن خواننده می ماند صداقت و دلسوزی نویسنده بود که آرام و متین از دولتمردان می خواست تا قدری هم منافع ملی را حساب کنند.

رضا علیچانی و هدی صابر از شاخصین ایران فردا بودند و هر دو از زندان رفته های جمهوری اسلامی. هدی صابر، این روزها در زندان است و به گواه سبحانی از کسانی است که باید قدر می دید و تجلیل می شد، سبحانی گفته بود که در تمام این چند سال اخیر، هدی صابر ساده زیست به سبستان و بلوچستان رفته بود تا

سحابی؛ مردی که ۶۰ سال مبارزه کرد

کاری پژوهشی اجتماعی را برای مردمان آنجا انجام دهد و به پایان هم رسانده بود و از نظر سبحانی کارستانی بود که دست مریزادی می خواست و نه زندان.

تاثیر ماهنامه ایران فردا آنقدر بود که تیراژ مجله تا پنجاه هزار می رفت و این در جامعه کتاب نخوان ایرانی و برای مجله ای جلدی و درد سر ساز موفقیتی بزرگ بود.

سر مقاله های عزت‌الله سبحانی با آیاتی از قرآن مزین می شد و با هشداری قرآنی پایان می گرفت: فاعتبوا یا اولی الابصار. عبرت از تاریخ و زندگی آن چیزی بود که عزت‌الله سبحانی سعی می کرد تا به هر زبانی به نسل جوان منتقل کند. تاریخ شگفتی که در آن زیسته و سرشار بود از کژراهه و نابود شدن استعدادهای و تلاش های بزرگ و نا کامی های حسرت انگیز.

سحابی سال ۷۴ جلسات هفتگی برگزار می کرد که روایتی از تاریخ معاصر ایران می گفت آنگونه که از نزدیک دیده بود. جلسات هر هفته و به مدت دو ساعت در خانه قدیم آیت الله طالقانی برگزار می شد و آنچنان این روایت تازه و صادقانه جذاب بود که هر کس هفته ای می آمد تا هفته ها شونده می ماند.

سحابی از شهریور ۱۳۲۰ آغاز کرد وقتی هواپیماهای متفقین بر فراز تهران پرواز می کردند و نشانه ای بودند بر اشغال کشور و بعد دوران نهضت ملی نفت. سبحانی آنگاه به زندان می رفت و هم نشین با رجالی که آن روزها زندانی بودند و از سلک مردمان عادی. نگاه بی غرض سبحانی رنگ بد خواهی نمی گرفت و راوی خوبی و بدی می شد، و از اشتباهات خود نیز می گفت. از رجوی می گفت که چگونه همان سالهای زندان با کبکبه و دبیده در زندان با مردمان راه می رفت و در ماه رمضان و از برای اینکه بگوید از ظواهر مذهب گذشته است، هنوز به ساعت افطار مانده روزه با می کرد.

شاید روایت مارکسیست شدن مجاهدین و ضربه ای که بر زندانیان و طرفداران مجاهدین وارد آمد را کسی به خوبی عزت‌الله سبحانی نگفته باشد.

گفتن از تاریخ پر درد ایران گاه چشم راوی پر آب می کرد، به تاریخ انقلاب که می رسید باز دست از صداقت بر نمی داشت. از آیت الله حینی با احترام یاد می کرد و نقایص و قصورش می گفت. از هاشمی رفسنجانی می گفت که در راهروی مجلس سنا و در آستانه خبرگان قانون اساسی به یدالله پدر گفته بود که با رضایت دادن به تشکیل خبرگان و اصرار بر آن، کاری کردید که آنچه روحانیان می خواهند از قانون اساسی در آید و همان هم شد و ولایت فقیه بر قانون اساسی سایه افکند.

سال ۷۹ و با حمله رهبری به مطبوعات اصلاح طلب، ایران فردا نیز غروب کرد. اما سحابی ماند و سال بعد به زندانی سخت رفت. هفتاد سال از عمر می گذشت و این موی سپید و سابقه البته باعث شد تا مأموران اطلاعات ابایی کنند. سبحانی که سالها زندانی رژیم پهلوی کشیده بود باز هم راوی زندان شد و در قیاس زندان انقلاب و زندان شاه، این یکی را بدتر و جانفرستار می دانست.

سحابی را مدتها در انفرادی بند ۵۹ اوین بازداشت کردند و بعدتر به خانه امن بردند که به تعبیر پدر می شد از قبر بدتر بود. جایی که تنهایی بیاد می کرد و هیچ از بیرون خبری نمی آمد. سحابی در زندان شکسته تر شد و بازرجویان مصاحبه و اعترافی هم گرفتند و خرسند رفتند. بعدها گفت که انسان سراسر ضعف است و او هم انسان.

ملاقات با سبحانی و جستن احوال پیرمرد در سال ۸۰ به همت مهدی کروی بود که این روزها خود به حصر است. شیخ، تنها به شنیدن خبر سلامتی اکتفا نکرد و نماینده ای فرستاد که سحابی را در سونای دوما و بالای خیابان جردن ملاقات کرد. گویا بازرجویان می خواستند تا اثبات کنند که شکنجه ای نبوده، اما روح که دیدنی نبود.

سحابی را با حال نزار به دیدار پدر کهنسال هم بردند، می گویند مهیوت بود و پس از مدتها خیابان و مردم را می دید و انگار که نمی بیند. یدالله سبحانی با دیدار پسر بد حال تر شد و گفت: «این عاقبت کسی است که عاشق مردم و کشورش باشد».

سحابی با همه رنجها بازمهم همراه جنبش سبز و اعتراض مردمان ایران اند و باز نشسته نشد. او گفته است: «اینک پس از تجارب تمام عمرم برای من دغدغه اصلی حفظ ایران است و بر این اساس می گویم که امروز به خاطر بقای ایران برانداختن نیستم و برای حفظ جمهوری اسلامی احمدی نژاد باید بر کنار شود».

انگار که این قیله زندان را به ارث برده اند، این روزها هاله سحابی هم به زندان است، به جرم شاهد قتل بودن و دیدن عبور خودروی پلیس از افتاده ای بی دفاع.

مهندس سحابی بعد از ۶۰ سال مبارزه برای آزادی روز گذشته دار فانی را وداع گفت.



زندگی مردم سخت شده است. خدا می‌داند که من چقدر برای ایران نگرانم! من دارم می‌میرم و کاری برای ایران نکردم.»
مهندس سحابی
در آخرین لحظات

کسی که انسانیت و آزادگی ما را به احتجاج آورد

محمد نوری‌زاد: پنجشنبه هفته گذشته، با هزار مکافات و البته با همراهی و همکاری و تصویربرداری لحظه به لحظه حراست بیمارستان مدرس، به دین مردی رفتم که سالها، در آن رژیم و در این رژیم زندانی بوده است. مردی که اکنون، نفس های پائینی عمر پرفراز و فرود خود را فرو می برد و برمی آورد.

مردی که غریانه، چشم بردنایی پر فریب، و فریب کاری امثال من، بسته است تا همان چشم را چند روز دیگر، به محشری از آسمان خدا بگشاید. عزت‌الله سبحانی، اکنون، با نفس های پائینی عمرخود، میزان فهم ما را، میزان شعور ما را، و میزان درستی دین و انسانیت و آزادگی ما را به احتجاج آورده است.

این روزها، چه خوب که اخبار بیماری و درگذشت یک فوتبالیست در رسانه ها تاب خورده و همه حساسیت ها و حیثیت رسانه ای و مملکتی ما را متاثر ساخته است. و چه بد، که عزت‌الله سبحانی، بی سرو صدا، رخت از این دنیا بر می بندد، تا دنیا را با همه ی وسعتش، برای ما تاریک، می رفت و به کار دیگری روی می برد، با استعدادی که داشت، امروز رسانه ها، اخبار ضربان قلب ثانیه به ثانیه او را رصد می کردند. ما اما با اطلاق جاسوسی و وطن فروشی، او را و دیگریانی چون او را فرو کوفتیم تا خود بر فراز آیم.

برایان او، به چهره ی رنجور و فرسوده و بیمار و چشمان بی فروغ او که نگرشتم، این چند جمله را از او دریافتیم:

ای همه ی دنیا خواهان،

دنیا به کائنات!

من راه خویش برگزیده ام،

و در کشاکش این راه،

بندها را،

با مرگ خود، بریده و رفتم.

دنیا برای شما.

سیراز آن بخورید.

سخت که سیر شدید،

حالا کمی بیاندیشید.

کار سختی ست، نه؟

به این بیاندیشید که:

مرگ شما نیز در راه است.

مهندس عزت‌الله سبحانی، فعال ملی – مذهبی پس از شش ده مبارزه، در پی یک دوره بیماری، بامداد روز سه شنبه دهم خرداد ماه، به دیار باقی شتافت.

ظلم ناگفته‌ای که در حق

مهندس سحابی شده بود

یک عضو پیشین وزارت اطلاعات که خواست نامش فاش نشود در تماس با کلمه روایتی از بخشی از زندگی عزت‌الله سبحانی را نقل کرد. این روایت به شرح زیر است:

مطابق قانون مصوب مجلس شورای اسلامی مدت زندان تمام زندانیان سیاسی قبل از انقلاب به عنوان دوران اسارت تلقی شده و به لحاظ برخورداری از مزایای بازنشستگی سال‌های زندان در دوران ستم‌شاهی به هنگام برخورداری از مزایای خدمتی در دستگاه‌های دولتی و غیردولتی دوبرابر حساب می‌شود. از آنجائیکه مهندس سحابی بیش از ۱۲ سال از عمر خود را در زندان‌های ستم‌شاهی گذراند بارها با توجه به کهنولت سن و ناتوانی به بنیاد شهید و وزارت اطلاعات برای احتساب دوران زندان خود مراجعه کرد و این دو نهاد مسئول هرگز حاضر نشدند دوران زندان قبل از انقلاب اسلامی ایشان را مورد تایید قرار دهند.

این ظلم و ناجوانمردی در حق این مبارزه نستوه موجب شده است که حقوق بازنشستگی مرحوم سحابی حتی کمتر از یک کارگر ساده باشد...